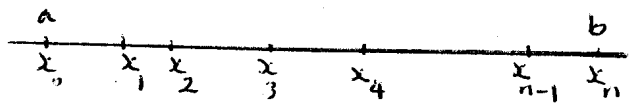


افرازها و توابع یله‌ای

۱. تعریف یک افراز: فرض کنید  $a$  و  $b$  اعداد حقیقی و  $a \leq b$  است. افراز  $P$  از فاصله  $[a, b]$  دنباله‌ای از اعداد حقیقی  $(x_0, x_1, \dots, x_n)$  است که در آن  $n$  یک عدد صحیح نامنفی و  $x_0 = a$  و  $x_n = b$  می‌باشد.



برای افراز  $P$  در بالا، اعداد  $x_0, x_1, \dots, x_n$  را نقاط افراز  $P$  نامند. اگر  $P$  در  $Q$  از فاصله  $[a, b]$  باشد، آنگاه گوئیم  $Q$  یک طرف  $P$  است هرگاه هر نقطه  $P$  نقطه‌ای از  $Q$  باشد. برای دو افراز  $P$  و  $Q$  از  $[a, b]$ ، آن طرف مشترک  $P$  و  $Q$  افزای از  $[a, b]$  است که از میان نقاط  $P$  یا  $Q$  باشد.

فاصله  $(x_{i-1}, x_i)$  از افراز  $(x_0, x_1, \dots, x_n)$  را ازای طول یک بی‌نهایتی می‌نامند. اگر بیشترین، شدت گوئیم افراز منظم است.  $a < b$  و عدد طبیعی  $n$  داده شده است، یک  $n$ -افراز منظم از  $[a, b]$  افراز  $(x_0, x_1, \dots, x_n)$  است که در آن برای هر  $n, n-1, \dots, 1$  داشته باشیم

$$x_i = a + i \frac{(b-a)}{n}$$

در این حالت، طول هر فاصله  $(x_{i-1}, x_i)$  برابر  $(b-a)/n$  است.

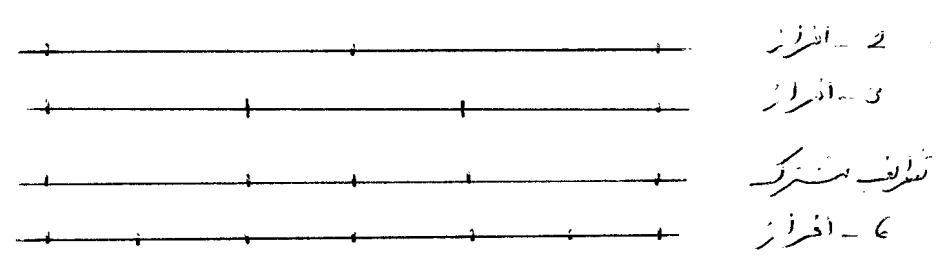
برای افراز  $(x_0, x_1, \dots, x_n) = P$  از فاصله  $[a, b]$ ، گاهی اوقات توجه به بزرگترین طول فاصله  $(x_{i-1}, x_i)$  مهم برای  $n, n-1, \dots, 1$  را می‌بینیم. این عدد را تعداد (mesh) افراز  $P$  نامند و با  $\|P\|$  نمایش می‌دهند. توجه کنید اگر  $P$  یک  $n$ -افراز منظم از  $[a, b]$  باشد آنگاه  $\|P\| = (b-a)/n$ .

۲. تعریف یک تابع یله‌ای: فرض کنید  $P$  افراز  $(x_0, x_1, \dots, x_n)$  از  $[a, b]$  است و  $f$  یک تابع با مقدار حقیقی است که داشته‌ای آن شامل  $[a, b]$  می‌باشد. گوئیم  $f$  در  $P$

پله ای است اگرگاه  $f$  روی سرعاصبه باز  $(x_{i-1}, x_i)$  که در آن  $n \geq 2$ ،  $a \leq x_i$  باشد.  
 توجه کنید که تابع  $f$  که درون افراز  $(x_0, x_1, \dots, x_n)$  پله ای است می تواند در نقطه  
 $x_0, x_1, \dots, x_n$  هر تعدادی را بپذیرد. همچنین توجه کنید که اگر  $f$  درون افراز  $\mathcal{P}$  پله ای باشد  
 آنگاه  $f$  روی سرعاصبه از  $\mathcal{P}$  نیز عیناً پله ای است.

برای تابع  $f$  تعریف شده روی مجموعه  $S$  از اعداد حقیقی، لایحه  $f$  تابعی پله ای روی  $S$   
 است اگرگاه ناصبه ای مانند  $[a, b] \subseteq S$  که افراز  $\mathcal{P}$  از  $[a, b]$  وجود داشته باشد  
 به طوری که درون  $\mathcal{P}$  پله ای لایحه و برای هر  $x \in S \setminus [a, b]$  داشته باشیم  $f(x) = 0$ .  
 که تابع پله ای روی  $\mathbb{R}$  را به طور ساده تابع پله ای نامیم.

۳ مثال: (۱) یک ۳-افراز منظم از  $[0, 1]$  تعریف کنید ۲-افراز منظم نمی باشد.  
 ۶-افراز منظم از  $[0, 1]$  تعریف هر ۲-افراز منظم و ۳-افراز منظم از  $[0, 1]$  است اما یک  
 تعریف مشترک نمی باشد. تعریف مشترک ۲-افراز منظم و ۳-افراز منظم، افراز  
 $(\frac{1}{3}, \frac{2}{3}, \frac{1}{2}, \frac{1}{3}, 0, 1)$  است.



(۲) فرض کنید  $n$  عددی طبیعی و  $\mathcal{P}$  و  $\mathcal{Q}$  به ترتیب  $2^n$  و  $2^{n+1}$  افرازهایی از عاصبه

$[a, b]$  باشند. آنگاه  $\mathcal{Q}$  تعریف  $\mathcal{P}$  است و  $\|\mathcal{Q}\| = \|\mathcal{P}\|/2$

(۳) تابع  $f: [-3, 5] \rightarrow \mathbb{R}$  به صورت زیر تعریف شده است:

اگر $1 < x < 2$ آنگاه $f(x) = 2$	اگر $-3 \leq x < -1$ آنگاه $f(x) = 3$
اگر $x \geq 7$ آنگاه $f(x) = 0$	اگر $-1 < x \leq 1$ آنگاه $f(x) = -2$
$f(-1) = 4$	اگر $2 \leq x < 5$ آنگاه $f(x) = 4$
$f(5) = -1$	اگر $5 < x < 7$ آنگاه $f(x) = 1$

چون  $f$  درون افراز  $(-3, 2, 5, 7)$  از  $[-3, 7]$  پله‌ای است و خارج این صلبه صفر است پس  $f$  یک تابع پله‌ای روی  $[-3, 7]$  می باشد.

(4) در اشتغال به حالت کلی یک تابع پله‌ای که دامنه آن فاصله  $[a, b]$  است آماده می کنیم. از تعریف، در فاصله  $[c, d]$  از  $[a, b]$  را افراز  $\mathcal{P} = (x_0, x_1, \dots, x_n)$  از  $[c, d]$  را انتخاب می کنیم به طوری که  $f$  درون  $\mathcal{P}$  پله‌ای بوده و برای هر  $x \in [a, b] \setminus [c, d]$  داشته باشیم  $f(x) = 0$ . حال توجه داریم که  $f$  پله‌ای روی افراز  $(a, x_0, x_1, \dots, x_n, b)$  از فاصله  $[a, b]$  است.

### انستراسل توابع پله‌ای

۱. جمع یک تابع پله‌ای روی یک افراز: فرض کنید  $f: [a, b] \rightarrow \mathbb{R}$  روی افراز  $\mathcal{P}$  از  $[a, b]$  که در آن  $\mathcal{P} = (x_0, x_1, \dots, x_n)$  پله‌ای است. جمع  $\Sigma(\mathcal{P}, f)$  از روی  $\mathcal{P}$  توسط

$$\Sigma(\mathcal{P}, f) = \sum_{i=1}^n \alpha_i (x_i - x_{i-1})$$

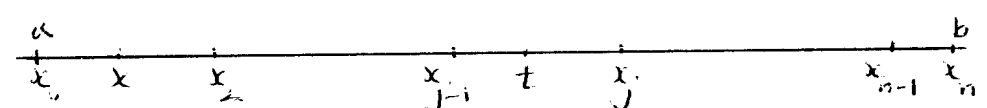
تعریف می شود که در آن  $\alpha_i$  هر  $i=1, 2, \dots, n$  عدد  $\alpha_i$  تقاربت  $f$  روی فاصله  $(x_{i-1}, x_i)$  است.

توجه کنید در حالتی که  $a=b$  باید داشته باشیم  $n=0$  و چون  $\Sigma(\mathcal{P}, f)$  جمله‌ای ندارد باید داشته باشیم  $\Sigma(\mathcal{P}, f) = 0$ .

۲. لم: فرض کنید  $f: [a, b] \rightarrow \mathbb{R}$  روی افراز  $\mathcal{P}$  از  $[a, b]$  پله‌ای است. فرض کنید تقویم  $\mathcal{Q}$  از  $\mathcal{P}$  با اضافه کردن یک نقطه  $t$  به افراز  $\mathcal{P}$  به دست آمده است.

$$\Sigma(\mathcal{P}, f) = \Sigma(\mathcal{Q}, f)$$

اثبات: فرض کنید  $P = (\alpha_0, x_1, \dots, x_n)$  و برای هر  $n$  تعداد ثابت  $f$  در  $(x_{j-1}, x_j)$  یا  $\alpha_0$  داریم.  
 از اینجانب انتخاب می‌کنیم که  $x_{j-1} < t < x_j$



چون تمام حدمات در مجموع  $\Sigma(Q, f)$  همان حدمات تناظر در مجموع  $\Sigma(P, f)$  است

بجز حدمات مربوط به فاصله  $(x_{j-1}, x_j)$  داریم

$$\begin{aligned} \Sigma(Q, f) - \Sigma(P, f) &= \alpha_j \cdot (t - x_{j-1}) + \alpha_j \cdot (x_j - t) - \alpha_j \cdot (x_j - x_{j-1}) \\ &= \alpha_j \cdot t - \alpha_j \cdot x_{j-1} + \alpha_j \cdot x_j - \alpha_j \cdot t - \alpha_j \cdot x_j + \alpha_j \cdot x_{j-1} \\ &= 0 \end{aligned}$$

پس  $\Sigma(Q, f) = \Sigma(P, f)$

۴ م: فرض کنید تابع  $f: [a, b] \rightarrow \mathbb{R}$  روی افزایش  $P$  از  $[a, b]$  پله‌ای بوده و

$Q$  یک تقریف  $P$  است. آنگاه  $\Sigma(P, f) = \Sigma(Q, f)$

اثبات: چون  $Q$  از اضافه کردن یک نقطه جدید به  $P$  به تعادل تساوی (فرد حاصل می‌شود)

لم از ۲ نتیجه خواهد شد.

۴ قضیه: فرض کنید  $f: [a, b] \rightarrow \mathbb{R}$  دارد. شده است  $P, Q$  افزایش‌هایی

از  $[a, b]$  است به طوری که  $f$  روی هر دو افزایش پله‌ای باشد. آنگاه

$$\Sigma(P, f) = \Sigma(Q, f)$$

اثبات: تقریف مشترک  $R$  را با  $Q$  و  $P$  داشته‌ایم. طبق ۴ داریم

$$\Sigma(P, f) = \Sigma(R, f) = \Sigma(Q, f)$$

حاصل در رابطه با قضیه فوق تعریف زیر را می‌توان بیان کرد.

۵ تعریف اشتراک یک تابع پله‌ای: فرض کنید  $f$  یک تابع پله‌ای روی فاصله  $[a, b]$  است.

انتگرال  $\int_a^b f$  از  $f$  روی ناحیه  $[a, b]$  برابر با  $\Sigma(P, f)$  تقریب می‌کنیم که در آن  $P$  افراز دلخواهی از  $[a, b]$  است به طوری که  $f$  روی افراز  $P$  پله‌ای باشد. نام دیگر تقریب  $\int_a^b f$  عبارت است از  $\int_a^b f(x) dx$ .

قضیه: حاصلی بودن انتگرال تابع پله‌ای؛ فرض کنید  $f$  و  $g$  تابعی پله‌ای روی ناحیه  $[a, b]$  بوده و  $c$  عددی حقیقی است:

(a)  $f+g$  روی  $[a, b]$  تابعی پله‌ای است و  $\int_a^b (f+g) = \int_a^b f + \int_a^b g$

(b)  $cf$  روی  $[a, b]$  تابعی پله‌ای است و  $\int_a^b cf = c \int_a^b f$

اثبات: افرازهای  $P$  و  $Q$  از  $[a, b]$  را انتخاب می‌کنیم به طوری که  $f$  روی  $P$  و  $g$  روی  $Q$  پله‌ای باشد و  $R$  را تقاطع مشترک  $P$  و  $Q$  تعریف می‌کنیم. در نتیجه  $f$  و  $g$  هر دو روی  $R$  پله‌ای اند.  $R$  را به صورت  $(x_0, x_1, \dots, x_n)$  نوشته و برای هر  $i$ ، تعداد مراتب  $f$  و  $g$  را در فاصله  $(x_{i-1}, x_i)$  به ترتیب  $\alpha_i$  و  $\beta_i$  نشان می‌دهیم. چون  $f+g$  در هر فاصله  $(x_{i-1}, x_i)$  تعداد مراتب  $\alpha_i + \beta_i$  را می‌پذیرد پس  $f+g$  روی  $R$  پله‌ای است. معادله

$$\int_a^b (f+g) = \Sigma(R, f+g) = \sum_{i=1}^n (\alpha_i + \beta_i)(x_i - x_{i-1})$$

$$= \Sigma(R, f) + \Sigma(R, g) = \int_a^b f + \int_a^b g.$$

که (a) را ثابت می‌کند. اثبات قسمت (b) مشابه است.

قضیه: نامنفی بودن انتگرال تابع پله‌ای: توجه کنید که تابع  $f$  نامنفی است هرگاه برای هر نقطه  $x$  در دامنه تعریفش داشته باشیم  $f(x) \geq 0$ . حال قضیه زیر را بیان می‌کنیم:

اگر  $f$  یک تابع پله‌ای نامنفی روی  $[a, b]$  باشد، آنگاه  $\int_a^b f \geq 0$ .

این قضیه بیان می‌کند که: (حالت کلی‌تر) برای دو تابع  $f$  و  $g$  یک دامنه، می‌تویم  $f \leq g$  هرگاه برای هر  $x$  در این دامنه داشته باشیم  $f(x) \leq g(x)$ . و فرم کلی‌تر قضیه همین است!

اگر  $f$  و  $g$  دو تابع پله‌ای روی  $[a, b]$  بوده و داشته باشیم  $f \leq g$ ، آنگاه

$$\int_a^b f \leq \int_a^b g$$

اثبات (حالت کلی): فرض کنید  $f$  و  $g$  توابع یکنواخت در بازه  $[a, b]$  بوده باشند.  $f \leq g$

مشابه اثبات قضیه ۷، افراز  $P = (x_0, x_1, \dots, x_n)$  از  $[a, b]$  را چنان انتخاب کنیم

که هر دو تابع  $f$  و  $g$  یکنواخت در  $P$  بوده و برای هر  $i$  تعداد ترتیب  $f$  در  $(x_{i-1}, x_i)$

بزرگتر یا مساوی  $\alpha$  و  $\beta$  نشان می‌دهیم. بنابراین برای هر  $i$  داریم  $\alpha \leq \beta$  و در نتیجه

$$\Sigma(P, f) \leq \Sigma(P, g)$$

۸ قضیه: مجموع زیرین اشتراک توابع یکنواخت: فرض کنید  $a \leq b \leq c$  و  $f$  یک تابع

یکنواخت روی  $[a, c]$  است. آنگاه  $f$  بر  $[a, b]$  و  $[b, c]$  توابع یکنواخت روی  $[a, b]$

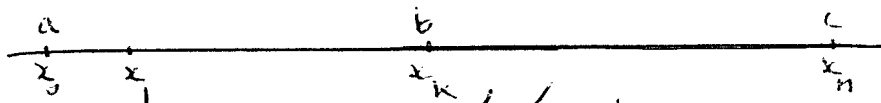
و  $[b, c]$  به ترتیب می‌باشد. داریم

$$\int_a^c f = \int_a^b f + \int_b^c f$$

اثبات: با توجه به توضیحات بیان شده در آخر ۱۰ داریم

$$\int_a^a f = \int_b^b f = \int_c^c f = 0$$

بنابراین اگر  $a = b$  یا  $b = c$  باشد حکم واضع است. حال فرض کنید  $a < b < c$



افراز  $P$  از  $[a, c]$  را چنان انتخاب می‌کنیم که  $f$  در  $P$  یکنواخت باشد و در صورت لزوم

با اضافه کردن  $b$  به این تقسیم تکلیف  $P$  را به دست می‌آوریم. پس می‌توان فرض کرد که  $P$

افراز  $(x_0, \dots, x_k, \dots, x_n)$  است و  $b = x_k$ . دو مجموعه  $P_1 = (x_0, \dots, x_k)$

و  $P_2 = (x_k, \dots, x_n)$  را در نظر می‌گیریم.  $P_1$  و  $P_2$  افزازهایی از  $[a, b]$  و  $[b, c]$  است و

همه  $f$  بر  $[a, b]$  و  $[b, c]$  به وضوح در  $P_1$  و  $P_2$  به ترتیب یکنواخت می‌باشد.

توجه به رابطه  $\Sigma(P, f) = \Sigma(P_1, f) + \Sigma(P_2, f)$  حکم حاصل می‌شود.

۹. توسیع برخی از نمادها در این :

(۱) فرض کنید  $f$  یک تابع پیوسته روی  $[a, b]$  است که در آن  $a < b$  . تعمیم زیر را

برای توان برای تعین معنی صیادت  $\int_b^a f$  بکاربرد. داریم

$$\int_a^b f + \int_b^a f = \int_a^a f = 0$$

پس  $\int_b^a f = -\int_a^b f$  . با توجه به این مطلب به دست می آید که اگر  $a, b, c$

اعداد حقیقی دلخواه باشند و  $f$  یک تابع پیوسته روی فاصله ای که از تقاطع هر دو به بزرگی تعیین کنند باشد است.

$$\int_a^c f = \int_a^b f + \int_b^c f$$

(۲) فرض کنید  $f$  توابع است  $\alpha$  بر روی  $[a, b]$  بنویسید. مشاهده می شود که

$$\int_a^b f = \alpha (b - a)$$

(۳) فرض کنید  $f$  تابعی پیوسته بوده و برای هر  $x \in \mathbb{R} \setminus [a, b]$  داشته باشیم  $f(x) = 0$  .

که در آن  $[a, b]$  یک فاصله دارد شده است و  $[c, d]$  فاصله ای است من  $[a, b]$  باشد

با انتخاب افراز  $P = (x_0, x_1, \dots, x_n)$  از  $[a, b]$  به طوری که تابع  $f$  در آن  $P$  پیوسته

و تعریف افراز  $Q = (c, x_0, x_1, \dots, x_n, d)$  از  $[c, d]$  داریم

$$\int_a^b f = \sum(P, f) = \sum(Q, f) = \int_c^d f$$

در نتیجه مشاهده شد که اگر تابع پیوسته  $f$  خارج از هر دو فاصله  $[a, b]$  و  $[c, d]$  صفر باشد

است.

$$\int_a^b f = \int_c^d f$$

این مطلب به ما زمانی تعریف انتگرال  $\int_{-\infty}^{\infty} f$  را می دهد. به طوری که تعریف می کنیم

$$\int_{-\infty}^{\infty} f = \int_a^b f$$

که در این انتگرال ممکن است نامشروع باشد.